الباب الاول من الواحد السابع فی تجدید الکتب اذا انقضی…

حضرت باب

اصلی فارسی



## **الباب الاول من الواحد السابع** فی تجدید الکتب اذا انقضی علیها اثنی و ماتین حولا و محو ما کتب من قبل او انفاقه الی احد.

ملخص این باب آنکه درهر ظهور خداوند دوست میدارد که کلشیئ جدید شود از این جهت امر فرموده که در هر دویست و دو سال یک دفعه هر نفسی ما یملک خود را از کتب مجدد کند باینکه در ماء عذب ریزد یا آنکه بنفسی عطا کند لعل عین عبدی بر حرفی نیفتد که کره از نظر باون داشته باشد لعل در یوم قیامت شجره حقیقت ظاهر حرفی را نبیند بر صورت غیر محبوب لعل روح آنهم در ظل آن غیر محبوب واقع نگردد زیرا که هر حرفی که نوشته میشود هفتاد هزار ملک بر او موکلند وهمچنین حین محو که حفظ میکنند او را

و اگر امروز نظر کنی در ارض می بینی که یک حرف از قرآن را چقدر از نفوس حافظ هستند که احصا نتوان نمود و هر حرفی که بر صورت محبوب نوشته شود ملائکه دوست میدارند که نظر بر او کنند بل در هر شیئ چنین مشاهده کن و همچنین بر عکس و در بیان هیچ شیئ را ظاهر مکن الا بر علو صنع و کمال لعل یوم قیامت نظر محبوب خود بر او افتد و دون حبی شاهد نگردد بر خلق خود که نظر کل ملائکه در ظل نظر او است و کم شیئ میخواهد که در یوم قیامت لایق نظر شجرۀ حقیقت گردد بلی اگر شیئ که فوق ارض مثل آن نباشد آن شیئ است که لایق شده از برای آیه لیس کمثله شیئ و کل خواهند کرد بیانهای خود را مجدد ولی مراقب بوده نزد ظهور شجرۀ حقیقت از هر ارض که مشرق گردد که بآن در یوم ظهور مسترزق و متلذذ شوند که ما قبل ذریعۀ بوده از برای آنظهور و آیتی بوده از برای وصول بآن مقصود

و هیچ نفسی نیست که یک کلمۀ از کلمات بیان را نویسد با ایمان باو با حسن خط الا آنکه واجب میگردد از برای او آنچه محبوب او است عند الله و مراتب خطوط مراتب اسم واحد است اول خط ابهی و آخر اعلی و ما بینهما بدرجات ذکر و گویا مشاهده میشود در ظهور که صاحبان ادراک بهم میرسد که نوزده قلم را شیرین نویسند ولی کمال در یکی بهتر از اقتران است و استکمال در کل علو کمال است اگر مقرون گردد برضای محبوب ازل و مقصود لم یزل

و الا امروز دیده میشود که کتب ما لا نهایه در اسلام باحسن خط نوشته شده ولی آثاری که مثبت حق و نافی دون میگردد که کل کتب قبل اگر در نزد یک حرف اول اون اقرار بایمان نکنند قبول نمیگردد از ایشان کینونیت ایشان و چگونه حسن کتابت آنها رسد و حال آنکه آن آثار مثل بئر معطل و قصر مشید مانده و جمال او نزد اهل افئده احسن از جمال مذکور باسم جمال است و هنوز شنیده نشده که کتاب قیوم اسماء بعدد نفس قیوم که عدد اسم یوسف - علیه السلام - است بر استحقاق خود نوشته شده باشد

و حال آنکه از بدء ظهور تا امروز چقدر کتبها نوشته شده که دون ایمان باو ثمر نمیبخشد و در وقت ظهور ”من یظهره الله“ همین قسم کل محتجب خواهند بود الا من شاء الله کمال دقت نموده که بعد از ظهور نوشته نشود الا آثار آن شمس حقیقت که نوشتن یک حرف از آن اعظم تر است از نوشتن بیان و آنچه در ظل آن نوشته شده. نظر کن در مبدأ قرآن که اگر در یوم ظهور رسول الله کسی یک حرف آنرا مینوشت حکم ایمان بر او میشد اگر مؤمن باو بود ولی اگر کل انجیل و آنچه در دین عیسی - علیه السلام - انشاء شده در ظل انجیل ثمری نمی بخشید از برای او این است جوهر علم اگر توانی درک نمود و خواهی درک نمود

بصیر شو که محتجب نمانی که هیچ شیئ در آن ظهور محبوب تر از آن نیست که آثار او را باحسن خط نزد او حاضر کنی بلکه فرض شده بر کل که آنچه از آن مبدء جود مشرق میگردد کل مؤمنین ببیان داشته باشند زیرا که او است بیان آنروز و بر اعلی نهجی که در بیان متصور است هر که تواند تمام نموده و در نزد آن شمس حقیقت حاضر نمایند که کل مسئول عنه از این بوده وهستند

چه خوب صنعتی است چاپ از برای ارتفاع کلمات او و تکثر آثار او اگر توانند در یوم ظهور نصرت کرد دین خدا را و اگر مثل امروز هستند که هر کس در بیت خود محتجب لا یکلف الله نفسا الا بعد ان یقدر و لتتوکلن علی الله ثم یوم القیامة بآیات الله توقنون.

